

Research Paper

The role of gender in the content of formal and public education based on the Qur'an and hadith

Mohammad Sharifani¹, Fatimah Haji Babaei^{2*}

1. Associate Professor of Islamic Azad University. Science and Research Unit. Qur`anic and Hadith Sciences Department

2. PhD Student of Qur`anic and Hadith Sciences. Islamic Azad University. Science and Research Branch and Teacher.

Received: 11/11/2023

Accepted: 01/01/2024

PP:68-83

Key words:

educational attitude;

educational content;

religious, moral education;

gender identity; gender role.

Abstract

Introduction: Cultural independence is the most fundamental axis of independence as well as the infrastructure of all other aspects of the country's independence. In order to achieve cultural independence, changing the approach of the educational system from a Western approach to an Islamic approach is the main strategy. Focusing on the changing role of gender in education, the present article critically evaluates the orientation of the country's educational system in compiling educational contents, in which foundations are derived from the western educational approach, despite the goals of the upstream documents. In addition, this paper points to some differences between Islamic and Western approaches to education.

research methodology: This research is of library and qualitative type and was done with descriptive and analytical method. In this way, after titling the structure of the article, according to the idea of the researcher, with the tool of extracting from authentic and reliable sources of religious texts, such as different explanatory and narrative books, dictionaries, articles of other researchers, materials related to the subject of the research were collected. and then the prepared slips were categorized according to their relevance to the research subject and appropriate descriptive analyzes and explanations were recorded and the contents of the slips were recorded under related headings. In confirming the analytical results of the slips, statistical tables and graphs that were the results of other related researches were cited.

Findings: According to the results of this research, the variable of gender is decisive in developing desired content for religious, devotional and moral aspect of the education. It also concludes the gender factor is effective in acceptance of the innate gender identity, which leads to the fulfilment of female and male roles and responsibilities in the society. The result of this study showed the educational content of the curriculum should be designed and compiled with the focus on the gender differences of the pupils, according to the approach of Islamic education.

Conclusion: Therefore, based on the Islamic standard system, It seems the contents needs to emphasize on the spiritual growth of the students, to develop them for roles related to their gender in the family and society.

Citation: Sharifani, M., Haji Babaei, F. (2024); The role of gender in the content of formal and public education based on the Qur'an and hadith . *Journal of Transcendent Education*. Vol3, Issue 4,pp 68-83

Corresponding author: Fatimah Haji Babaei

Address: PhD Student of Qur`anic and Hadith Sciences. Islamic Azad university. Science and Research Branch and Secretary of Education.Tehran. Iran.

Email: Hajibabaeifateme1@gmail.com

مقاله پژوهشی

نقش جنسیت در محتوای آموزش رسمی و عمومی براساس آموزه‌های قرآن و حدیث

محمد شریفانی^۱، فاطمه حاجی بابائی^{۲*}

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: استقلال فرهنگی، بنیادی‌ترین محور استقلال و زیرساخت همه ابعاد دیگر استقلال کشور است. برای تحقق استقلال فرهنگی، تغییر رویکرد تربیتی نظام آموزشی از نگرش غرب‌گرایانه به نگرش اسلامی، راه‌برد اصلی است. مقاله حاضر با تمرکز بر نقش متغیر جنسیت در تربیت، به نقد جهت‌گیری نظام آموزشی کشور در تدوین محتواهای تربیتی و آموزشی می‌پردازد، که علی‌رغم هدفگذاری‌های اسناد بالادستی، شالوده آن برگرفته از رویکرد تربیتی غرب است. به علاوه، به برخی تفاوت‌های رویکرد تربیتی اسلامی و غربی اشاره می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش از نوع اسنادی یا کتابخانه‌ای و کیفی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. بدین ترتیب که پس از عنوان‌بندی ساختار مقاله، مطابق ایده محقق، با ابزار فیش‌برداری از منابع اصیل و معتبر متون دینی از جمله کتب تفسیری و روایی فریقین، لغتنامه‌ها، مقالات سایر پژوهشگران مطالب مربوط به موضوع تحقیق جمع‌آوری شد و سپس فیش‌های تهیه شده، براساس میزان ارتباطشان با موضوع تحقیق دسته بندی و تحلیل‌ها و توضیحات توصیفی مناسب نوشته شد و محتوای فیش‌ها ذیل عناوین مرتبط ثبت گردید. در تأیید نتایج تحلیلی فیش‌ها، به جداول و نمودارهای آماری که حاصل سایر پژوهش‌های مرتبط بود، استناد شد.

یافته‌ها: مطابق نتایج این پژوهش، متغیر جنسیت، در محتوای مورد نظر برای تربیت عبادی و اخلاقی تعیین‌کننده بوده و در پذیرش هویت جنسیتی (فطری)، که باعث ایفای نقش‌های زنانه و مردانه می‌شود، مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری: در نتیجه، طبق رویکرد تربیت اسلامی، محتوای تربیتی و آموزشی برنامه درسی، باید با محوریت تفاوت‌های جنسیتی متریبان، طراحی و تدوین شود، تا براساس نظام معیار اسلامی، علاوه بر تأکید بر رشد معنوی دانش‌آموزان، زمینه را برای ایفای بهتر نقش‌های وابسته به جنس‌شان در خانواده و اجتماع فراهم سازد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

شماره صفحات: 68-83

واژه‌های کلیدی: تربیت اخلاقی؛

تربیت عبادی؛ محتوای تربیتی و

آموزشی؛ نقش جنسیتی؛ نگرش تربیتی؛

هویت جنسیتی.

استناد: شریفانی محمد، حاجی بابائی فاطمه، (۱۴۰۲) نقش جنسیت در محتوای آموزش رسمی و عمومی براساس آموزه‌های قرآن و حدیث. فصلنامه علمی آموزش و پرورش متعالی. دوره سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲، شماره صفحات 68-83

۶۸

* نویسنده مسئول: فاطمه حاجی بابائی

نشانی: دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و دبیر آموزش و پرورش، تهران، ایران.

پست الکترونیکی: Hajjibabaeifateme1@gmail.com

مقدمه

محتوای آموزشی به مجموعه‌ای متشکل از انواع رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری از قبیل فیلم، صوت، عکس، تصویر و متن گفته می‌شود که برای تدریس یک مبحث آموزشی، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در نظام آموزش رسمی و عمومی، این محتواها بیشتر در قالب کتاب درسی ارائه می‌شود. از میان عوامل موثر در تربیت رسمی، محتوای آموزشی برنامه درسی، نقش مهم و اساسی در پیشبرد جریان تربیت مدرسه‌ای دارد و به منزله مهم‌ترین منبع تربیتی-آموزشی، پس از آموزه‌های والدین، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر تربیت اعتقادی، اخلاقی و رفتاری کودک و به طور کلی ساخت هویت و شخصیت او دارد. از نظر تعلیم اسلام، دانشی که انسان فرا می‌گیرد، غذای روح اوست. در این ارتباط، در تفسیر آیه ۲۴ سوره عبس که می‌فرماید: ﴿لَا فَلَیْنُظَرُ الْإِنْسَانَ إِلَّا طَعَامَهُ﴾؛ آیت الله مکارم شیرازی می‌گوید: انسان باید ببیند چه علمی را از چه منبعی دریافت می‌کند، زیرا علم به منزله غذای روح است. در جلد دوم تفسیر قمی به نقل از امام حسن (ع) آمده که: «عجب دارم از آنها که به غذای جسم خود می‌اندیشند، اما در غذای روح دقت نمی‌کنند، خوراک زینبار را از شکم خود دور می‌دارند، اما قلب را با مطالب مهلک آکنده می‌کنند». بر این اساس محتوای آموزشی مورد نظر اسلام برای تربیت دانش‌آموزان (غذای روح آنان)، باید علاوه بر تزکیه و هدایت آنها به سمت ربوبی شدن و افزایش تقوا، نیازهای آنها در زندگی را نیز تأمین نماید تا با تربیت جوان مؤمن و شایسته، جامعه به سمت سعادت حرکت کند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر در تحقق این امر، تهیه محتوای آموزشی با توجه به تمایزات جنسیتی است. محتواهای کنونی برنامه درسی که به صورت مشترک برای آموزش دختران و پسران، تدوین شده پاسخگوی نیازهای وابسته به جنس آنها نیست. در حالی که این نیازها، اثر زیادی در پذیرش هویت آنها به عنوان یک دختر یا پسر، دارد. به علاوه در نقش‌آفرینی آینده آنان، در خانواده و جامعه موثر است. دانش‌آموزان تنها از طریق آموزش‌های والدینشان و آموزش‌های غیر رسمی اجتماعی قادر به دریافت این اطلاعات هستند که می‌تواند ناقص و حتی اشتباه نیز باشد و راه برای اثرگذاری فرهنگ منحط روی آنها، باز خواهد بود.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که با توجه به این موضوع که یکی از اهداف نظام اسلامی، رسیدن به استقلال است و استقلال فرهنگی، بنیادی‌ترین محور استقلال و زیرساخت همه ابعاد دیگر استقلال کشور است، که برای تحقق آن، اصلی‌ترین راهبرد، تغییر رویکرد تربیتی نظام آموزشی از نگرش غربگرایانه به نگرش اسلامی است. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش شد تا هدف‌گذاری برنامه‌های تربیتی کشور، از رویکرد غربگرایانه به سمت رویکرد تربیتی اسلام تغییر جهت دهد و در سال ۱۳۹۰ به تدوین سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت منجر شد. اما به رغم آن، طبق نظرات صریح و مکرر رهبر فرزانه در عمل، عبور از نگرش غربی هنوز محقق نشده و این دیدگاه همچنان بر نظام آموزشی ما سایه افکنده است. بدین سبب در آسیب‌شناسی نظام آموزش رسمی، بررسی و تحلیل عالمانه تغییرات محتواهای آموزش رسمی بر طبق رویکرد جدید یعنی رویکرد تربیت اسلامی ضرورت پیدا می‌کند.

بر این اساس، این مقاله ابتدا برخی تفاوت‌های رویکرد تربیتی غرب با رویکرد اسلام نسبت به اهمیت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در تربیت را بیان می‌کند. سپس به تحلیل بخشی از محتوای آموزشی برنامه درسی، از ابعاد «تربیت عبادی، اخلاقی و هویت جنسیتی» می‌پردازد. مبنا و فرایند این تحلیل، دیدگاه آیات قرآن و روایات در اهمیت و نقش تفاوت‌های جنسیتی در تربیت است. همچنین، این مقاله با هدف تقویت نظام آموزشی، در راستای اهداف پیش‌بینی شده در اسناد بالادستی، می‌کوشد تا ضرورت توجه شایسته به متغیر جنسیت در تهیه و تدوین محتوای آموزشی را به بحث بگذارد. برای این منظور ابتدا به تبیین و مقایسه مبانی تربیتی دو رویکرد مورد بحث می‌پردازد و سپس به طور ویژه، نظر اسلام درباره نقش جنسیت را در ابعاد تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی و هویت جنسیتی بیان می‌نماید.

پیشینه تحقیق

در موضوع تأثیر جنسیت در تربیت، پژوهش‌های خوبی صورت گرفته است از جمله: کتاب «فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» اثر جمعی از نویسندگان که به وسیله مرکز مطالعات زنان چاپ شده و تفکرات فمینیستی را بررسی می‌کند. همچنین دو کتاب «هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات)» و «جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی» از محمدرضا زیبایی نژاد و نیز کتاب «جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال» اثر سید علی حسینی زاده، کتب بسیار مفیدی هستند. مقالات

متعددی در همین موضوع به نگارش درآمده است مانند: مقاله «جنسیت در تربیت اسلامی» از خانم دکتر جمیله علم‌الهدی و مقاله پژوهشی «بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی از دیدگاه آیات و روایات» اثر دکتر سید احمد هاشمی علی آبادی. با اینکه این پژوهش‌ها به متغیر جنسیت توجه نموده‌اند اما به صورت منسجم هیچ یک از آثار یاد شده به بحث تأثیر جنسیت در محتوای آموزشی برنامه درسی که در نظام آموزش رسمی کشور در جریان است، اشاره نکرده‌اند. از این رو پرداختن به موضوع اهمیت جنسیت در محتوای آموزشی برنامه درسی، نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود. آنچه در این پژوهش، مد نظر پژوهنده است یافتن پاسخ برای سوالات زیر است:

اولاً؛ به طور اجمالی در تحلیلی و بررسی نقش تمایزات جنسیتی در تربیت، رویکرد اسلام چه مغایرتی با رویکرد غرب دارد؟ ثانیاً؛ نگرش تربیت اسلامی در تحلیل نقش جنسیت در محتوای آموزش رسمی، از ابعاد تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، چیست؟

ثالثاً؛ نظر اسلام نسبت به تقویت هویت جنسیتی در ایفای نقش‌ها چه تفاوتی با نگاه تربیتی غرب دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع اسنادی یا کتابخانه‌ای و کیفی بوده و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. بدین ترتیب که پس از عنوان‌بندی ساختار مقاله، مطابق ایده محقق، با ابزار فیش‌برداری از منابع اصیل و معتبر متون دینی، از جمله کتب تفسیری و روایی فرقی، لغتنامه‌ها و مقالات سایر پژوهشگران، مطالب مربوط به موضوع تحقیق جمع‌آوری شد و سپس فیش‌های تهیه شده، براساس میزان ارتباطشان با موضوع تحقیق، دسته‌بندی و مورد تحلیل و توصیف قرار گرفت. در مرحله بعد، محتوای فیش‌ها ذیل عناوین مرتبط ثبت گردید و در تأیید نتایج تحلیلی فیش‌ها، به جداول و نمودارهای آماری که حاصل سایر پژوهش‌های مرتبط بود، استناد شد.

یافته‌ها

مقایسه اجمالی مبانی و اصول حاکم بر دو رویکرد غرب و اسلام نسبت به نقش جنسیت در تربیت

نگرش با رویکرد، در لغت به معنی نوع نگاه؛ یا راه و روشی خاص برای رسیدن به هدف مشخص است. (Dehkhoda, 1993). رویکرد تربیتی نیز عبارت است از: «جهت‌گیری کلی، مشخص و منسجمی درباره چگونگی مواجهه با موضوع تربیت که با توجه به مجموعه‌ای از مفروضات نظری سازوار تعیین می‌شود و التزام به آن موجب همگرایی در انتخاب اصول، معیارها و روش‌های خاص در عرصه عمل خواهد شد» (Document of the fundamental transformation of education, 2011). نظام آموزشی هر جامعه، با توجه به نوع نگرش تربیتی خود، به تولید محتوا برای آموزش متربیان می‌پردازد. با توجه به تغییر جهت نظام آموزشی کشور، از رویکرد غربی به اسلامی، در این راستا مقایسه مختصر نگرش تربیت غربی و تربیت اسلامی، در تبیین موضوع این مقاله موثر به نظر می‌رسد. برای بیان تفاوت دو رویکرد تربیتی اسلام و غرب نسبت به جنسیت، ابتدا به طور مختصر می‌توان به مقایسه مبانی فلسفی و اصول حاکم بر این دو رویکرد پرداخت. حاصل این قیاس، چشم‌اندازی از تغییرات از نظر اهداف، روش‌ها، و ویژگی‌های تربیت را پیش رو قرار می‌دهد که با تغییر رویکرد نظام آموزشی، باید مورد توجه قرار گیرد.

الف) مبانی هستی‌شناسی

نگرش تربیتی غرب که برگرفته از مکاتب بشری مانند: سکولاریسم، امانیسم، پراگماتیسم، لیبرالیسم، فمینیسم و امثال آنهاست، واقعیت هستی را جهان مادی (طبیعت) و همان چیزی که توسط انسان قابل تجربه است، می‌داند (Ref: Mirzamohammadi, Aliin & Hosseini, 2008) و اصالت فرد و فردگرایی را مبنا گرفته و فرد را مقدم بر جامعه قرار می‌دهد. در حالیکه از نگاه مکتب تربیتی اسلام، خداوند محور و اصل بوده و کل نظام هستی مخلوق و نشانه عظمت و حکمت و مظهر اسماء و صفات الهی‌اند. هستی شامل عالم غیب و عالم شهود بوده و انسان با توجه به ظرفیتش می‌تواند به عالم شهود دست یابد؛ اما عالم غیب فقط در حیطه علم خداوند است، اجزای هستی دارای شعور (Israa:44)، مرتبط با هم و هماهنگ

(231: Baqarah)، و هدف‌مند هستند (44: Ankabut)، آفرینش به طبیعت محدود نبوده و این طبیعت، عرصه تربیت انسان برای حیات اخروی و جاویدان است. آغاز و پایان همه هستی از خدا و به سوی اوست (156: Baqarah)؛ (Ref: Marzooqi, 2019b)

ب) مبنای انسان‌شناسی

در اکثر رویکردهای غربی، حقیقت و ماهیت انسان استعدادها و غرائز دنیوی اوست که محور کنش و واکنش‌ها و تعیین‌کننده مسیر زندگی او هستند. انسان‌شناسی‌های تئوریزه شده غربی اصالت امیال فردی را به عنوان ماهیت انسان پذیرفته‌اند. نگرش کنونی غرب به انسان، بر مبنای سکولاریسم بوده و تمایل به حذف نقش دین یا به حاشیه بردن آن از زندگی انسان دارد (Ref: Naghi Porfar, 2015) اما نگرش اسلام انسان هویت وجودی خویش را در رابطه مستقیم با پروردگار می‌یابد (Kafi, 2014). در رویکرد تربیتی اسلام، انسان به سبب دارا بودن تفکر، تعقل، ایمان، آزادی و انتخابگری، قادر به تغییر سرنوشت خود، جامعه و طبیعت بوده و بنابراین مسئول است. منبع اصلی انسان‌شناسی اسلام، قرآن و سنت است (Ref: Foruzande, 2012) Dehkordi & Foroughinia,

ج) مبنای ارزش‌شناسی

غالب مکاتب غربی که زیربنای نگرش تربیتی غرب‌اند، ارزش‌ها را مطلق نمی‌دانند؛ بلکه رفاه و خواست انسان و نهایتاً سازگاری با طبیعت را معیار ارزش‌ها قرار می‌دهند (Ref: Farajzadeh & Sarmedi, 2019). در رویکرد اسلامی قرآن، عقل، فطرت و سنت، منبع همه ارزش‌ها است و ارزش‌ها اصول کلی، ثابت و مطلق هستند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند و ملاک ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه است؛ یعنی آنچه شرایط کمال واقعی انسان را فراهم می‌سازد و نه هر چیزی که دلخواه افراد باشد. سلسله مراتب ارزش‌ها با کمال واقعی انسان، حیات طیبه و غایت زندگی یعنی قرب الهی ارتباط مستقیم دارد (Ref: Misbah Yazdi, 2000).

د) مبنای معرفت‌شناسی

رویکرد مکاتب غربی در بُعد معرفت‌شناسی، بیشتر مبتنی بر دو منبع عقل و حس است. به عنوان نمونه پوزیتیویست‌ها علوم غیرحسی و غیر تجربی را معتبر نمی‌دانند و عقل‌گراها عقل را به طور مستقل و مقدم بر تجربه و حسی برای درک مفاهیمی همچون خدا، زمان و مکان کافی می‌دانند (Shirvani, 2016). اما در نگرش اسلامی، منابع شناخت متفاوت و متکثر است و شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب (شهود و مکاشفه)، طبیعت، جامعه و تاریخ است (National curriculum document, 2011).

ه) مبنای روش‌شناسی

رویکرد تربیتی مدرن غرب مبتنی به آزادی فردی و رها کردن فرد و با تأکید بر آموزش ارتباط جنسی به فرد، در دوران رشد او، از کودکی تا قبل از ازدواج است. درحالی‌که تمرکز نگرش تربیت اسلامی بر توانمندساختن انسان برای مهار و کنترل تمایلات جسمی بوده و مبتنی بر ارائه روش‌هایی در جهت کاهش سوء رفتار فرد، با هدف پیش‌گیری از انحرافات اخلاقی در بزرگسالی در جامعه بوده و هدف آن، نهادینه کردن عنصر اساسی تقوا برای حفظ طهارت نفس و پاکدامنی در فرد و جامعه است تا آرامش لازم برای تعالی و پیشرفت فراهم گردد (Ref: Haji-Babaei.F, 2021).

نگرش تربیتی غرب نسبت به نقش جنسیت

از دیرباز نگرش جوامع در تربیت متمرکز بر انسان، بر آن بوده تا هریک از دو جنس زن و مرد، دارای نقش و کارکرد متفاوت و مختص خود باشند و نقش آنها مکمل یکدیگر و سبب تحکیم خانواده و بقا جامعه گردد. «این رویکرد قدیمی، تفاوت‌های جنسیتی را به جوهر انسان مربوط دانسته و جنسیت مردانه را از جنسیت زنانه برتر می‌داند و اغلب تصور می‌شود که این نگرش، همان دیدگاه دینی است» (Ref: Alam Al-Hoda.J, 2009). با ورود غرب به انقلاب صنعتی، با پیدایش و گسترش افکار فمینیستی، این رویکرد متوازن دچار اختلال و تغییر شد و بر رویکرد جدید غرب در تعلیم و تربیت کودکان تأثیر گذاشت که

به سرعت نظام‌های آموزشی دنیا را تحت تأثیر قرار داد. بدین سبب پس از تحولات صنعتی غرب، برای رفع مشکل اجتماعی تبعیض‌آمیز وضعیت زنان، جنبش‌های اجتماعی مانند فمینیسم مورد توجه بیشتری واقع شد. نظریه‌پردازان مکتب فمینیسم، معتقد به برابری جنسیتی بوده و برخی از آنها همچون سیمون دوبوار^۱ تفاوت‌های جنسیتی را طرد کرده و این تفاوت‌ها را ثابت و ذاتی نمی‌دانستند و عامل جنسیت را حاصل جامعه و فرهنگ می‌پنداشتند.

(Ref: Moshirzadeh.H, 2003)؛ در حالی که رویکرد سنتی حاکم بر جامعه غرب، به جبرگرایی جنسیتی و برتری جنس مرد نسبت به زن، معتقد بود و به نوعی با تعصبات دینی عجین شده بود. فمینیست‌ها، به معارضة با نگرش سنتی و قدیمی و عبور از حصارهای فرهنگی و دینی پرداختند و با به حاشیه راندن دین، به دنبال تساوی جنسیتی تحت عنوان عدالت جنسیتی بودند. درحالی‌که این نوع عدالت، مبتنی بر عبور جنسیت زنانه از تفاوت‌ها بود و به جنسیت مردانه توجهی نداشت. با لغو اعتبار تفاوت‌های جنسیتی، تغییر و تحولی در روش‌های تعلیم و تربیت و بالتبع محتوای آموزشی به وجود آمد و طرح موضوع عدالت جنسیتی در آموزش، به بحث برابری فرصت‌های آموزشی تبدیل شد. از اینرو محتواهای تربیتی یکسانی برای دختران و پسران تهیه و تدوین گردید که غالباً مبتنی بر آموزش علوم مورد نیاز پیشرفت‌های مادی (نیازهای جسمی) بود و بدیهی است که این نظر با اهداف متعالی اسلام که رشد و تعالی روحی انسان را اصل می‌داند، متفاوت است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از دیدگاه‌های مختلف به خواستگاه تفاوت‌های جنسیتی

رویکردهای جبرگرایانه	رویکردهای محیط‌گرایانه	رویکردهای دیالکتیک
رویکرد اپی‌ژنیک/ رویکرد تعاملی	نظریه یادگیری اجتماعی بندورا/ نقش‌پذیری جنسیتی بم/ نظریه هویت/ طرحواره‌های جنسیتی	التقاطی
-تفاوت جنسی از نظر «زن‌ها و محیط» -تفاوت‌های جنسی متأثر از دوره تکامل	-برخورد انفعالی بدن انسان در مقابل فرهنگ -نمایش نقش‌های جنسیتی مطابق الگوهای عرضه شده	تأثیر و تأثر محیط و ژنتیک در نمایش زنانگی - مردانگی

نگرش تربیتی مدرن غرب، با تأثیرپذیری از مکاتبی مانند لیبرالیسم، سکولاریسم و فمینیسم و امثال آنها پدید آمد و بخشی از مبادی فکری و فرهنگی آن عبارتند از: مادگرایی، فردگرایی، فقدان آرمان انسانی، دنیوی بودن، آزادی جنسی و خانواده‌گرایی. «امروزه در رنسانس معنوی جهان، غفلت این نگرش از پرورش بُعد روحی، انتقادات زیادی در پی داشته است. از این رو در سال‌های اخیر اصلاح‌گران تربیت برای جبران این نقیصه، به دنبال یک برنامه درسی جامع هستند که مقدمات پرورش بُعد روحی بشر را مهیا سازد» (Ref: Alam Al-Hoda.J 2009). اندیشمندانی همچون جان میلر^۲، به عنوان نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت در عصر حاضر، اکنون به عنوان منتقد جدی به این نگرش تربیتی، ظاهر شده و اندیشه‌ای متفاوت را در تعلیم و تربیت مطرح می‌سازند. میلر در کتابش «آموزش و پرورش روح» می‌گوید: «عقیده دارم که زمان آموزش روح [آموزش معنوی]، فرارسیده است، ما به قدر کافی روش‌های آموزش ماشینی را که موجب ویرانی روح انسانی می‌گردد تجربه نموده‌ایم» (Miller, Translated by Gurchian, 2001).

دیدگاه اسلام به نقش جنسیت در:

۱. تربیت اعتقادی

مبنای انسان شناختی اسلام، روح را گوهر وجودی انسان می‌داند که پدیده‌ای مجرد از محدودیت‌های مادی همچون وابستگی به مکان، زمان و جنسیت است، و جسم به عنوان مرتبه پایین‌تر وجود او، وسیله‌ای برای تجلی تکامل روح است. از این رو مطابق نص صریح آیات قرآن، کسب سجایای اخلاقی و باورهای متعالی برای پیمودن راه سعادت، وجه اشتراکی همه زنان و مردان است. زیرا ارزش و کرامت انسان‌ها به زن بودن یا مرد بودن نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح و پرهیزگاریست. همانگونه که قرآن می‌فرماید: ﴿لَا مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ «هر کس عمل صالح انجام دهد، درحالی‌که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد» (Nahl:97).

^۱ Simone de Beauvoir

^۲ Miller. John p

قرآن کریم در آیات متعدد دیگری بر این موضوع تأکید دارد. همچنان که در آیه ۳۵ سوره احزاب به ده ویژگی تربیتی اشاره نموده که همه این ویژگی‌های برجسته را مشترکاً در مورد مردان و زنان به کار می‌برد ﴿لَا يَنْفِرُ الْفِئْتَانُ مِنْكُمْ خِيفًا مُّبِينًا وَالْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنَاتُ الْفَاتِنَاتُ وَالصَّادِقَاتُ وَالصَّادِقَاتُ وَالصَّابِرَاتُ وَالصَّابِرَاتُ وَالْخَاشِعَاتُ وَالْخَاشِعَاتُ وَالْمُتَصَدِّقَاتُ وَالصَّائِمَاتُ وَالصَّائِمَاتُ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتُ وَالذَّاكِرَاتُ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (Ahzab:35)؛ به عبارت دیگر روح انسان که مجرد از انات و ذکورت است، تفاوتی در کسب فضائل، برای ربوبی شدن ندارد. به همین دلیل، شاید تصور شود که تربیت اسلامی فقط به پرورش روح پرداخته و جنسیت در آن نقشی ندارد. اما وجود احکام فقهی متعدد و برخی سفارش‌های متفاوت دین برای زن و مرد، که هم شامل بعضی عبادات و تکالیف شرعی و هم درباره نقش‌های خانوادگی و اجتماعی می‌باشد، نمایانگر دخالت عنصر جنسیت در برنامه تربیتی اسلام است. آیات متعددی در زمینه حقوق مالی مانند: نفقه: (Noor:22) و (Nisa':34) و (Baqarah: 215 & 233 & 240 & 241 & 270) و (Touba:54) و (Talaq:6)، ارث: (Nisa':7&12)، مهریه زنان: (Nisa':4 & 24) و سفارشات قرآن در تربیت اخلاقی همچون رعایت پوشش بیشتر زنان: (Ahzab: 59)، دوری از اختلاط غیر ضروری با نامحرم: (Qasas:23)، شیوه رفت و آمدشان در اجتماع: (Noor:32) شیوه سخن گفتن با نامحرم: (Ahzab:32). به عنوان نمونه خداوند متعال در سوره نور درباره یکی از این تفاوت‌ها، می‌فرماید: «زنان (در برابر نامحرمان) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند» (Noor:60)، یعنی فقط زنان را از خودنمایی و نمایاندن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم، نهی کرده و به خودنمایی مردان نپرداخته است، معلوم می‌شود که خودنمایی، از ویژگی‌های خاص زنان است و در مردان کمتر دیده می‌شود. همچنین روایات بسیاری در حیطه تربیت جسمی، اخلاقی، عاطفی و جنسی دختران، نقش‌های خانوادگی آنها و تفاوت‌هایی در شیوه انجام برخی عبادات برای زن یا مرد، تفاوت سن تکلیف و ... مصادیقی بر این ادعا هستند.

هدف تربیت اسلامی، زمینه‌سازی و فراهم آوردن لوازم سیر تکامل انسان است، اما تربیت معنوی، که مربوط به روح انسان است، نمی‌تواند فارغ از مقتضیات جسم در زندگی دنیوی، محقق شود. بنابراین برای رسیدن به این هدف، باید ضروریات زندگی مادی به ویژه زندگی اجتماعی، با گرایش‌های شناختی و روحی انسان تلفیق گردد. از این رو، برنامه‌های تربیتی اسلام، به الزامات زندگی مادی از جمله تفاوت‌های جنسیتی توجه نموده است. برخلاف نگرش مدرن غربی که هویت زنانه و مردانه را نقض می‌کند، اسلام با پذیرش تفاوت‌های جنسیتی، هویت زنانه و مردانه را مورد تصدیق و تأکید قرار می‌دهد که نتیجه آن تفکیک نقش‌های مربوط به هر جنس است. این تفاوت نقش‌ها، در ادبیات دینی نیز قابل مشاهده است. به طوریکه بعضی از ویژگی‌ها که برای زنان حُسن شمرده شده، برای مردان تقبیح شده است. به عنوان نمونه در روایتی امیرالمومنین علیه السلام درباره صفات پسندیده زنان فرموده‌اند: «بهترین صفات زن، بدترین صفات مرد است و آن صفات عبارتند از: «کبر، بُخل و ترس». زن متکبر، هیچگاه تسلیم غیر همسر خود نمی‌شود. زن بخیل، در حفظ اموال خود و همسرش خواهد کوشید. در زن ترسو، در هر پیش‌آمدی، محتاط است و به دام شیادان نخواهد افتاد. در حالیکه این صفات برای مردان ناپسند است (Majlisi, 1938). می‌توان گفت مهمترین نتیجه پذیرش تفاوت‌های جنسیتی در تربیت، پذیرش هویت جنسیتی به منظور ایفای نقش‌های متفاوت زنانه و مردانه بوده و چگونگی مواجهه هر یک از زن و مرد با مسائل مختلف را آموزش می‌دهد. بنابراین نوع تربیتی که برای دختران و پسران در نظر گرفته می‌شود، باید متناسب با این تفاوت‌ها باشد.

۲. تربیت عبادی

مهم‌ترین وجه تربیت دینی، تربیت عبادی و آموزش دستورات دین است که پرورش بُعد معنوی فرد را به دنبال دارد. تا زمینه ارتباط روحی با خالق یگانه را برای او فراهم سازد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي﴾؛ جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند (Zariyat:56). برای درک بهتر مفهوم تربیت عبادی، ابتدا باید اجزاء این ترکیب را بررسی نماییم. تربیت در لغت از ریشه «رب» به معنای «ایجاد تدریجی و گام به گام یک شیء تا رساندن او به حد کمال و نهایت آن است» (Ragheb, 1991)؛ بعضی هم آن را از ریشه «رَبَوُ» یا «رَبَّأُ» به معنای زیاد شدن، رشد، علو و ارتفاع گرفته‌اند (Ibn Fars, 1990) (ماده ربو). عبادت نیز در لغت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای نهایت تذلل است و از واژه عبودیت به معنای اظهار تذلل و خواری، رساتر است و تنها کسی مستحق عبادت است، که در نهایت بزرگی و کمال قرار داشته باشد و آن، کسی جز ذات حق تعالی نیست (Ragheb, 1991). برخی از لغت‌شناسان معنای عبادت را «اطاعت و فرمان‌برداری» دانسته‌اند (Ibn Manzoor, 2010). با توجه به این دو معنا، «تربیت عبادی» به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام روح بندگی و حالت

تذلل نسبت به پرورگار، تا مرحله رساندن متربی، به حدّ نهایی و کمال عبودیت است. برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نیز تربیت عبادی را «آموزش عبادت به متربیان و متعهد کردن آنها به انجام آن می‌دانند» (Davoudi, 2015). تلاوت آوای زیبای اذان در گوش نوزاد، آغاز تربیت عبادی او در ورود به این جهان است و این هدایت الهی، به تدریج با رشد کودک و متناسب با تکامل روحی او با روش‌های مختلف ادامه می‌یابد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی کودک سه ساله شد، باید با معارف توحیدی آشنا شود، وقتی نزدیک به چهار سالگی رسید، با معارفی از نبوت آشنا می‌شود، وقتی پنج ساله شد و دست راست خود را از دست چپ تشخیص داد، رو به قبله قرار می‌گیرد و سجده می‌کند، و وقتی شش ساله شد، نماز بجا می‌آورد، رکوع و سجده را یاد می‌گیرد. وقتی به هفت سالگی رسید، برخی اعمال وضوء را آموزش می‌بیند، و خلاصه وقتی به نه سالگی رسید، کاملاً وضوء و نماز را باید آموزش ببیند» (Hur-Aamili, 1988).

روایات مبین این مساله است که کودکان باید از همان ابتدای خردسالی به آرامی با معارف و احکام دینی آشنا شوند، که این امر ابتدا با تکرار و ایجاد عادت‌ها انجام می‌گیرد و به تدریج با رشد عقلی کودک، با افزایش شناخت و بصیرت او، می‌توان تمایل برای انجام وظایف دینی را در او تعمیق بخشید. این فرآیند تربیت، به موازات خانواده، در مدرسه نیز باید جریان داشته باشد تا دو ویژگی مهم "استمرار و تدریج"، موثر واقع شوند. «درست است که پسر بعد از پانزده سالگی و دختر بعد از نه سالگی به تکلیف می‌رسند و قبل از آن وظیفه‌ای ندارند، اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد در غیراین‌صورت، انجام عبادات برای کودک دشوار خواهد بود یا اصلاً زیر بارش نمی‌رود و اگر هم نمازخوان شود، چندان تقیدی به آن نخواهد داشت و با اندک بهانه‌ای ممکن است آن را ترک کند؛ زیرا عملی که از زمان کودکی عادی نشده باشد، عادت کردن به آن دشوار خواهد بود» (Ref: Amini, 2011). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: فرزند، هفت‌سال، امیر(مولا)، هفت‌سال اسیر(عبد) و هفت‌سال وزیر است (Tabarsi, 1997). این روایت، هفت‌سال اول را دوره حکمرانی و بازی، هفت‌سال دوم را دوره اطاعت‌پذیری و دوره سوم را دوره وزارت و مشاوربودن کودک دانسته است.

مطابق قانون کنونی نظام آموزش رسمی کشور، از هفت‌سال دوم، با آغاز آموزش رسمی، مدرسه، باید این وجه تربیت عبادی را از طریق محتوای آموزشی تأمین نماید. با ملاحظه تفاوت‌های جنسیتی از جمله تفاوت در شروع سن تکلیف و با محوریت حیابورزی دانش‌آموزان، منطقی‌تر است که محتوای آموزشی برای دختران و پسران، متفاوت و ترجیحاً مجزا تدوین گردد. بدین ترتیب که شروع این آموزش‌ها باید برای دختران قبل از نه سالگی، یعنی از دوره ابتدایی و برای پسران قبل از چهارده سالگی، یعنی دوره متوسطه صورت گیرد. درحالی‌که در نظام آموزشی کنونی، محتوای تولید شده در این زمینه برای هر دو جنس، چه از نظر زمانی و چه متون انتخاب شده، یکسان است. نکته قابل توجه دیگر این است که از نظر نظام حقوقی و فقهی اسلام و براساس دلائل قرآنی و مستندات روایی، آموزش واجبات دینی، به عنوان یک واجب کفایی و تعیینی، جزء تکالیف الزامی والدین است و آموزش امور مستحبی به کودکان، بر والدین مستحب است. یعنی پدر و مادر وظیفه شرعی دارند که تمام مسائل و احکام دین را که در آینده، فرزندشان به آنها نیاز دارد، به او آموزش دهند و باید فرزند خود را در انجام واجبات و ترک معاصی، امر و نهی نمایند و با این کار فرزندشان را از عواملی که باعث زیان معنوی و عذاب اخروی می‌گردد، حفظ نمایند.

قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿لَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ...﴾ ای مؤمنان! خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید... (Tahreem:6). در حوزه واجبات خاص مانند نماز و روزه، پدر و مادر به نحو الزام یا مستحب مؤکد، موظف هستند تا فرزند خود را از سن هفت سالگی نسبت به نماز، امر کنند و در صورت ترک آن، بازخواست نمایند و این حکم نسبت به دختران که دو سال دیگر به سن تکلیف می‌رسند، اولویت بیشتری دارد (A'rafi, 2017)؛ با نظر به نقش مدرسه در تکمیل فرآیند تربیت، همین اهتمام در الزام کودکان به انجام واجبات، برای نظام آموزشی نیز متصور خواهد بود که مورد غفلت قرار گرفته است. یعنی همانطور که بر والدین واجب است تا با برنامه‌ریزی و تعامل هماهنگ با یکدیگر، به فرزندشان احکام و تکالیف دینی را آموزش دهند و با اهتمام و جدیت او را نسبت به انجام تکالیف شرعی امر نموده و از ترک آنها، نهی کنند، نظام آموزشی نیز باید با خانواده در این مسیر، همراهی کند تا نسلی مؤمن و متعبد و مقید به اجرای احکام شرعی تربیت نمایند. در ارتباط با ابعاد مختلف تربیت عبادی، در سوره احزاب، نور، قصص، بقره و... به روشنی درباره جنبه‌های مختلفی از تربیت دینی متفاوت دختران اشاره شده است؛ همچنین مواردی از این قبیل در سایر سوره‌ها، که در حیطه احکام دینی قرار می‌گیرند. گاه این دستورات دینی، در زمره تکالیف واجب عینی و گاه واجب کفایی و گاهی مستحب مؤکد، هستند و باید به تدریج و با توجه به اولویت، آنها را از خردسالی به فرزند آموزش داد و با توجه به اینکه دختران زودتر به سن تکلیف

می‌رسند و نیز با توجه به اهمیت نقش تربیتی آنها در آینده و تأثیری که بر تربیت خانواده و جامعه دارند، باید آموزش احکام و تربیت عبادی آنها، با دقت بیشتری انجام شود. در این بُعد نیز مدرسه باید در امتداد تربیت خانواده، آموزش این وجه تربیت را برای دختران زودتر آغاز کند.

وقتی دختر یا پسر به سن بلوغ شرعی می‌رسد، باید مجموعه وسیعی از وظایف شرعی را انجام دهد که اگر آشنایی و آمادگی کافی نداشته باشد، انجام این وظایف برای او سخت خواهد بود و چه بسا این عدم خوگرفتن به تکالیف، باعث بی‌رغبتی او در انجام این امور گردد. از امام رضا (ع) سؤال شد درباره کسی که فرزندش را به خواندن نماز مجبور می‌کند درحالی که فرزند یک روز یا دو روز نماز نمی‌خواند؛ حضرت فرمود: این بچه چند ساله است؟ گفت: هشت‌ساله. حضرت فرمود: سبحان الله! نماز را ترک می‌کند؟! گفت: بله؛ نمازخواندن برایش سخت می‌آید. حضرت فرمود: آن قدر که قدرت دارد نماز بخواند (Hur-Aamili, 1988).

این روایت، نمایانگر آن است که خوگیری و التزام کودکان به انجام فرائض دینی، برای کودکانی که هنوز به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند، از نظر پیشوایان دین مهم است. به بیان دیگر آموزش فرائض واجب دینی و خوگرفتن کودک به انجام آنها، باید قبل از سن تکلیف شروع شود. واجب شدن تکلیف شرعی در دوران بلوغ، هرگز به معنای ناتوانی نوجوان از درک آموزه‌ها و تعالیم دینی و عمل به آنها، قبل از این دوره نیست؛ بلکه از گزاره‌های دینی چنین استنباط می‌شود که کودک از هفت‌سالگی برای فهم و انجام اعمال عبادی، صلاحیت لازم را دارد و از این رو توصیه شده تا قبل از رسیدن به سن تکلیف، مسائل دینی به او آموزش داده شود، نسبت به انجام مستمر آنها ملزم گردد و در قبال تخطی از وظایف شرعی مورد مؤاخذه قرارگیرد و الزام او به انجام تکالیف، مغایر با منطبق تربیت نیست.

در تأیید این مطلب امام صادق (ع) می‌فرمایند: ما فرزندان خود را در پنج‌سالگی به خواندن نماز امر می‌کنیم، شما در هفت‌سالگی آنها را امر نمایید (Hur-Aamili, 1988). باید توجه داشت حکمت کلام پیشوایان دین مبنی بر عادت‌دادن کودک به انجام فرائض قبل از سن تکلیف، از آن جهت است که تأکید تربیت، بر آموزش همراه با عمل است؛ تکوین اخلاق انسانی و روحیات و شکل‌گیری روابط صحیح اجتماعی، نه فقط با موعظه و حفظ کردن، بلکه با ممارست تا ایجاد عادت ممکن می‌شود. طبق روایات، زمانی که باید کودک را به انجام تکالیف شرعی عادت داد تا خود را ملزم به انجام وظایف شرعی نماید، همان زمانی است که کودک به مدرسه سپرده می‌شود. درحالی‌که تا قبل از آن، یعنی دوره سیادت، نباید با آموزش اجباری، آزادی کودک را محدود نمود. این نکته، اهمیت وظیفه مدرسه در تکمیل و حتی اصلاح تربیت عبادی کودک را نشان می‌دهد.

نکته قابل توجه دیگر این است که با توجه به تفاوت در سن تکلیف دو جنس، زمان عادت دادن کودک و الزام او به انجام مستمر و به موقع وظایف شرعی، متفاوت است که این موارد باید در تهیه برنامه درسی و محتوای آموزشی مرتبط با موضوعات تربیت عبادی لحاظ شود؛ در حالیکه اکنون به بحث الزام و خوگیری کودک به انجام عبادات، در محتوای آموزشی توجه چندانی نشده است و محتوای آموزشی برنامه درسی از نظر اهتمام به تربیت عبادی، از رویکرد اسلامی فاصله دارد.

امیرالمومنین (ع) به امام حسن (ع) می‌فرماید: پیش از آن که قلبت قسی گردد به تربیت تو پرداختم» (Nahj Al-Balagha, letter 31). بدیهی است الزام منطقی نوجوان در انجام فرائض دینی و تلاش برای نهادینه کردن آن، باعث پابندی او به انجام واجبات و ترک محرمات و بالتبع مانع انحراف او از حدود الهی می‌شود. در صورت غفلت از این امر، ممکن است نوجوان به گروه‌های منحرف با افکار الحادی گرایش یابد. امیرالمومنین (ع) در این باره می‌فرماید: «به فرزندان، از دانش ما آنچه خداوند با آن ایشان را نفع رساند بیاموزید، تا مرجئه (گروه‌های منحرف فکری) بر آنان مسلط نگردند» (Hur-Aamili, 1988). شاید بتوان گفت امروز، یکی از دلایل گرایش نوجوانان به فرهنگ بیگانه و عدم التزام بخش قابل توجهی از آنان به انجام وظایف عبادی، غفلت نظام آموزشی نسبت به تکمیل و اصلاح به موقع تربیت عبادی کودکان و نوجوانان است. این رویکرد کنونی برنامه درسی که از نگرش اسلامی فاصله گرفته است، در سایر وجوه تربیتی نیز جریان دارد که قابل نقد است. لازم به ذکر است که نقش متفاوت جنسیت در انجام وظایف عبادی را در پژوهش‌های میدانی نیز می‌توان دید. به عنوان مثال براساس پژوهشی که در زمینه التزام عملی دانشجویان دختر و پسر به اعتقادات اسلامی و مولفه‌های آن صورت گرفته، معلوم شد که میانگین دانشجویان دختر در تمامی مولفه‌های التزام به اعتقادات از پسران بیشتر است و در جدول زیر نمایان است (Ref: Khush-Tinat, 2012).

جدول ۲. وضعیت التزام عملی به اعتقادات اسلامی و مولفه‌های آن به تفکیک دختر و پسر

وضعیت معنی‌داری	Sig	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	سازه
معنی دار	۰/۰۰۱	۳/۸۱	۸/۸۶	۵۱/۱۹	۳۰۴	مونث	التزام عملی به نماز خواندن
			۱۲/۰۹	۴۶/۱۰	۹۶	مذکر	
معنی دار	۰/۰۰۱	۲/۶۱	۸/۶۲	۵۰/۸۶	۳۰۴	مونث	التزام عملی به روزه گرفتن
			۱۳/۲۰	۴۷/۱۱	۹۶	مذکر	
معنی دار	۰/۰۰۱	۳/۵۷	۸/۹۷	۵۱/۱۹	۳۰۴	مونث	التزام عملی به احکام شرعی الهی
			۱۲/۰۷	۴۶/۱۹	۹۶	مذکر	
معنی دار	۰/۰۰۱	۴/۴۶	۸/۷۰	۵۱/۴۳	۳۰۴	مونث	التزام عملی به معاشرت با افراد مذهبی
			۱۲/۳۱	۴۵/۴۰	۹۶	مذکر	
معنی دار	۰/۰۰۱	۴/۱۰	۸/۷۶	۵۱/۳۳	۳۰۴	مونث	التزام عملی به اعتقادات اسلامی
			۱۲/۴۱	۴۵/۷۵	۹۶	مذکر	

۳. تربیت اخلاقی

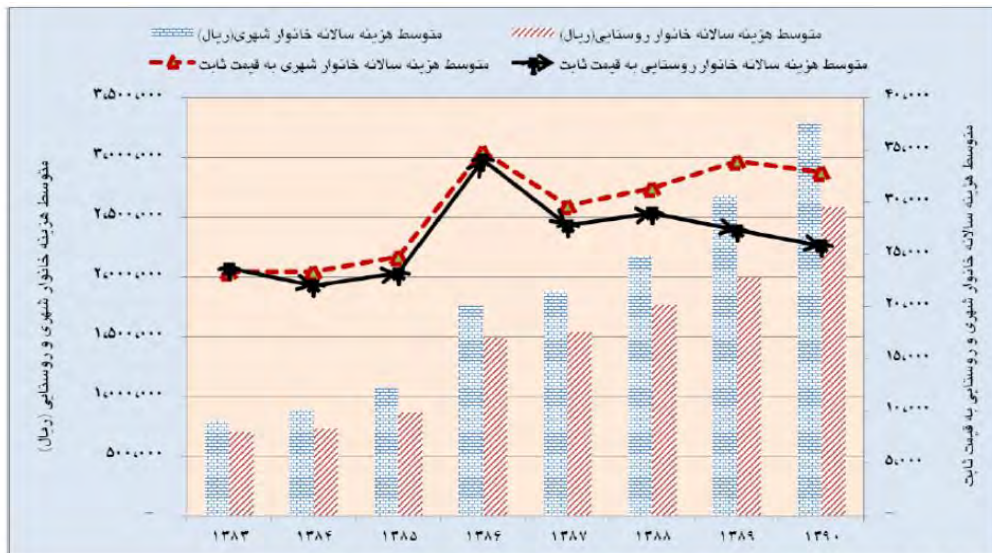
یکی از مهمترین شاخصه‌های تربیتی مورد توجه محتوای آموزشی، حیاورزی است. در لغت حیا از ریشه «حی و» یا «حی‌ی» به معنای «شرم داشتن» (Zamakhshari, Vol.2) و «آزرم از ارتکاب زشتی‌ها» (Dehkoda, 1993) و راغب آن را «انقباض النفس عن القبائح و ترکه» تعریف می‌کند (Ragheb, 1991). در اصطلاح علم اخلاق، «حیا نوعی حالت روانی یا انقباض نفسانی که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنت انسان شده و موجب خودداری از انجام امور ناپسند می‌گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است» (Ibn-Maskawayh, 2015). حیا پوشش روح آدمی بوده و متضاد پرده‌داری است» (Tehrani, 2017)؛ این مفهوم یک‌بار به صورت مصدر «استحیاء» در آیه ۲۵ قَصَص به دختر حضرت شَعْبِ نسبت داده شده است (Ref: Ansarian, 2015)؛ و آیات دیگری مانند (Maryam: 18) نیز به مفهوم حیا، بدون استعمال لفظی آن، اشاره کرده‌اند. «سفارش به حیا، حتی در خصوصی‌ترین زوایای زندگی فردی نیز مطرح گردیده است» (Ref: Sunan Abi Dawood, 2018). امام حسین علیه السلام در اهمیت حیا می‌فرماید: «کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد» (Mohammadi Ri Shahri, 2005). براین اساس نتیجه تقویت و پرورش چنین ویژگی والا و نیروی بازدارنده، اجتناب از ارتکاب گناه و گرایش به عفاف در فرد و جامعه خواهد بود که ضامن ایمان هر فرد است.

«مولای متقیان حیا را کلید هر خوبی می‌نامد» (Tamimi-Amadi, 1987) بالتبع با تضعیف حیا، در هر خیر و نیکی بسته شده و در هر شر و پلیدی باز می‌شود. به فرموده آن حضرت، ویژگی حیا، از یک روح بانجابت خبر می‌دهد که ثمره آن عفت است.

«منظور از عفت یا پاکدامنی تسلیم شهوت در برابر عقل است که از بزرگترین فضائل زیبایی اخلاقی است، یعنی کنترل کردن نیروی شهوت جنسی در محدوده عقل و شرع» (Ref: Haj Seyed Javadi & et al, 2015).

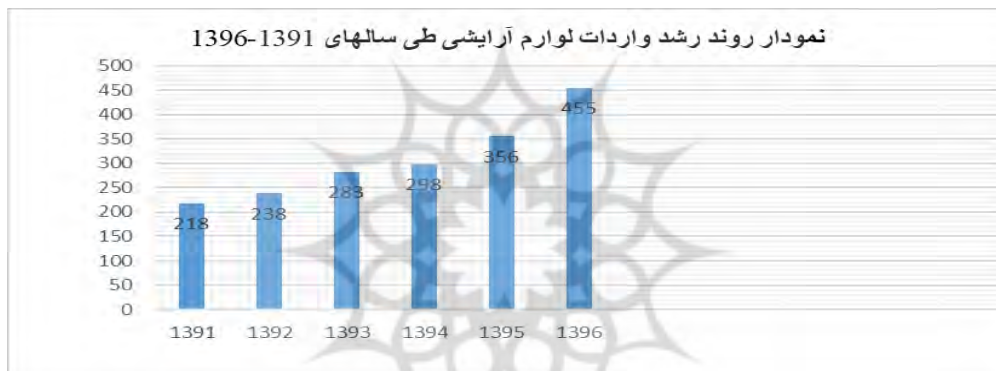
با اینکه ویژگی حیا و عفاف، در زنان و مردان اهمیت زیادی دارد و قرآن کریم الگوهایی از مردان و زنان باحیاء همچون حضرت یوسف و حضرت موسی علیهم السلام و حضرت مریم علیها السلام و دختران شعیب علیهم السلام را معرفی می‌نماید، اما مخاطب بیشتر سفارشات در روایات و کلام وحی برای حفظ حیا و عفاف در جامعه، زنان هستند.

به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه آرایش (و تبرج) زنان فرموده‌اند: «اگر زن برای غیر شوهر، خود را آرایش نمود، لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند» (Majlisi, 1983). دستورات فقهی اسلام در حفظ پوشش بیشتر زنان یا شیوه گفتگوی آنها با نامحرم، شیوه راه رفتن آنها و عدم تبرج و خودنمایی زنان، نیز نشان از توجه اسلام به اهمیت بیشتر حیاورزی در زنان نسبت به مردان است. این موضوع در پژوهش‌های میدانی نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال نمودارهای زیر رشد مصرف محصولات آرایشی توسط دختران و زنان و تفاوت گرایش زنان و مردان به جراحی زیبایی را نشان می‌دهد که نمادی از گرایش زیادتر زنان و دختران به خودنمایی و تبرج است.



مأخذ: آمارهای هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۰، مرکز آمار.

نمودار ۱. متوسط هزینه سالانه خانوارهای شهری و روستایی در انواع لوازم آرایشی در سالهای ۱۳۸۳-۱۳۹۰



نمودار ۲. برگرفته از پایگاه خبری نود اقتصادی، تاریخ انتشار: ۱۸ اسفند ۹۷، کد خبر: ۲۱۱۸۰۷۷، www.90eghtesadi.ir

جدول ۳. تفاوت معنادار گرایش به جراحی زیبایی در دو جنس مونث و مذکر

ردیف	تعداد عمل‌های جراحی زیبایی زنان در جهان	تعداد عمل‌های جراحی زیبایی زنان در ایران
۱	۸۶٪ درصد	۱۳٪ درصد

منبع Science New Agency

عدم توجه به نکات تربیتی درباره تمایل زنان به تبرج، می‌تواند سبب کاهش ابعاد مختلف امنیت در جامعه شود. زیرا رابطه معنادار و معکوسی بین تبرج زنان و امنیت خانواده، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اداری و... دیده می‌شود که نمودار زیر نمایانگر آن است (Ref: Oladi.S; Jahanbakhsh.I & Mohammadi.A, 2018).



نمودار ۳. تأثیر تبرج و بدحجابی بر امنیت اجتماعی

در تفاوت حیاء زن و مرد، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حیاء ده جزء است که نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است» (Majlisi, 1983). همچنین می‌فرمایند: «خداوند برای زن، صبری معادل صبر ده مرد قرار داده است، و آنگاه که حمل بردارد، قدرت ده مرد دیگر را نیز به وی می‌دهد» (Majlisi, 1983)؛ و از ایشان روایت شده: «به زنان نیروی مباشرت (ارتباط جنسی) دوازده نفر و صبر دوازده نفر عطا شده است» (Kolini, 1986)؛ با استناد به اینگونه روایات، چنین به دست می‌آید که توان جنسی زن بر مرد برتری دارد و در مقابل، حیاء و صبر او نیز بیشتر است. از این رو اسلام حیا و عفاف را ارزش گوهر وجودی زن می‌داند و آن را موجب تکریم شخصیت زن در نظر دیگران می‌شمارد. «دستورات دینی مانند حجاب، روابط محرم و نامحرم و... به خاطر حفظ عفاف زن و مرد است. البته عفاف فقط مختص زنان نیست؛ بلکه مردها هم باید عقیف باشند تا جامعه سالم بماند. بنابراین رکن اصلی در هر برنامه‌ریزی مربوط به دختران، باید براساس رعایت و حفظ حیاء و عفاف آنان باشد» (Hosseini, 2006). این روایات و سفارشات دین، معلوم می‌سازد که باید تمرکز و تأکید نظام آموزشی در تقویت حیورزی در دختران پررنگ‌تر از پسران باشد و حصول این امر با تدوین محتوای یکسان آموزشی، منطقی به نظر نمی‌رسد.

نگرش تربیتی اسلام نسبت به هویت جنسیتی و ایفای نقش‌های زنانه و مردانه

هویت در لغت به معنی شخصیت، ذات، حقیقت چیز (Moin, 2007). «اصل این واژه، عربی و از کلمه "هو" به معنی او، اخذ شده است. بنابراین، هویت هر چیز بیانگر ماهیت وجودی آن است؛ هویت جنسیتی یا تصور فرد از خود به عنوان زن یا مرد، بیشتر رفتارهای او از جمله صحبت کردن با ادبیات زنانه یا مردانه، نحوه لباس پوشیدن، علاقه به کارهای مختلف و مسائل دیگر، را دربر می‌گیرد. یکی از حکمت‌های الهی خلقت دوگانه بشر، تفاوت در کارکردها و وظایف زن و مرد است. علت اصلی تفاوت پرورش دختر و پسر در تربیت اسلامی، توجه به همین امر اساسی است. به عبارت دیگر مهمترین جنبه تفاوت دختران و پسران در حیطه وظایف و کارکردهای آنهاست و سایر جنبه‌های تفاوت آنها، زمینه‌ساز تحقق بهتر این نقش‌هاست. به عنوان نمونه قرآن از زبان مادر مریم علیها السلام که نذر کرده بود فرزندش خادم بیت‌المقدس شود، می‌فرماید: **فَلَمَّا وَصَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّی وَصَعْتُهَا اُنْثٰی وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَصَعْتُ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْاُنْثٰی وَاِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَاِنِّی اَعِیْذُهَا بِکَ وَذَرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ** پس چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده‌ام و خدا به آنچه او زاید دانانتر بود و پسر همچون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم (Ale Imran:36)؛ این آیه تأکید می‌کند که فرزند دختر از جنبه تفاوت وظایف، مانند فرزند پسر نیست. تفاوت‌های ساختاری دو جنس از نظر روحی، عاطفی و شناختی و ساختار جسمی، انکارناپذیر است. حکمت آفرینش دختران را با ویژگی‌هایی همچون: ابرازگری، مهرورزی و آرامشگری مردان و ویژگی

تسلیم‌پذیری و ظرافت‌ها و زیبایی‌های جسمی و جذابیت‌های خلقی برای محبوب بودن، برای ایفای نقش‌های همسری و خانه‌داری و ساختار ویژه فیزیولوژیکی برای باروری و فرزندپروری قرار داده که توأم با عواطف شدیدی مانند فداکاری و ایثار در ایفای نقش مادریست، درحالی‌که خداوند متعال مردان را با ویژگی‌های متفاوتی مانند: مقاومت در برابر سختی‌ها، قدرت جسمی بیشتر، روحیه استقلال و اعتماد به نفس زیاد، به عهده گرفتن ولایت و سرپرستی زن و تشکیل خانواده و ایفای نقش پدری آفریده است. از این رو مدیریت خانواده به مرد سپرده شده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...﴾؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان می‌کنند، و زنان صالح، زانی هستند که متواضع هستند، و در غیاب (همسر) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند... (Nisa': 34).

در روایت آمده است با ورود علی و فاطمه (ع) به زندگی مشترک، پیامبر (ص) برای دختر و دامادش تقسیم کار کرد، مدیریت خانه را بر عهده علی (ع) گذاشت و فرمود کارهای داخل منزل به عهده فاطمه (ع) باشد و کارهای خارج منزل بر عهده علی (ع) (Majlisi, 1983)؛ این روایت نیز الگویی را ارائه می‌دهد که موید تفاوت نقش‌های زنانه و مردانه، با توجه به ساختار روحی و جسمی متفاوت آنان است. براین مبنا در نظام تربیتی اسلام، هدف از تربیت دختر و پسر، علاوه بر حفاظت از آنها در برابر انحرافات اعتقادی و اخلاقی، آموزش نقش‌هایی است که آنها در زندگی باید به عهده بگیرند. در این رویکرد با توجه به اینکه دختران در آینده نقش‌های مادری و همسری و خانه‌داری و پسران نقش پدری و مدیریت و سرپرستی خانواده را بر عهده خواهند گرفت، روش‌های آموزش و الگودهی از لحاظ گفتار و رفتار و ویژگی‌های مربوط به نقش‌های وابسته به جنس، برای دختران باید متفاوت از پسران باشد و بر همین اساس محتوای آموزشی آنها نیز باید متفاوت باشد. به عنوان مثال در آموزش مهارت‌های زندگی، در روایات سفارش شده پسران را در بازی‌های رقابتی شرکت دهید تا موجب پرورش روحیه شجاعت در آنها شود. در روایات آمده به پسران خود شنا و تیراندازی بیاموزید (Hur-Aamili, 1988)؛ و در برخی روایات دیگر، یاد دادن اصول خانه‌داری به دختران سفارش شده است.

مانند: به دختران خود بافندگی بیاموزید (Hur-Aamili, 1988). نیز در حیطه وظایف مردانه و زنانه، تمکین زن از مرد و خودآرایی زنان برای مردان بیان شده است (A'raf: 189)؛ همچنین سفارش به نیکو شوهرداری زنان در همین راستا است (Majlisi, 1983). اما در رویکرد آموزشی متمایل به نگرش غربی، فرصت‌های آموزشی برابر، باعث حذف آموزش‌های وابسته به جنس شده و موضوعات مربوط به جنسیت دانش‌آموز که نیازها و نقش‌های جنسیتی را پوشش می‌دهد، از آموزش و پرورش رسمی حذف می‌گردد یا به حاشیه رفته و به تربیت غیررسمی واگذار می‌شوند. نگرش غربی به زن و مرد، القاء می‌کند که نقش زنانگی و مردانگی، دروغی ساخته و پرداخته اجتماع است و هر دو یکسانند که این موضوع تأثیر قابل توجهی در کاهش ثبات نهاد خانواده داشته است. در آموزش مبتنی بر این نگرش، دانش‌آموزان که پدر و مادرهای آینده‌اند، چیزی از نقش مستقل و ویژه خود نمی‌آموزند که به نسل بعد منتقل کنند. وجه دیگر اثر تربیتی نگرش غربی، هنگامی نمایان می‌شود که مادر، هم‌ارز پدر و یا حتی بیشتر از او، نقش تسلط و غلبه را در خانواده ایفا کند. در این حالت دختر و پسر نمی‌توانند برای همانندسازی نقش ویژه خود، الگویی مناسب دریافت نمایند و دچار نقص رشد در بُعد نقش‌پذیری جنسیتی می‌شوند. موضوع مورد تأمل دیگر اینکه در جوامعی با نگرش تربیتی غرب، دختران با فاصله گرفتن از نقش‌های زنانه، تلاش بیشتری برای کسب جایگاه برابر با مردان نموده و به ایفای نقش‌های مردانه می‌پردازند و با انکار هویت زنانه خود دچار هویتی مبهم و آسیب‌پذیر می‌شوند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس تبیین آیات و روایات، در موضوع نقش متغیر جنسیت در محتوای آموزشی، به نتایج زیر دست یافت: اولاً؛ رویکرد تربیتی غرب، تفاوت‌های بنیادی از نظر مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف با رویکرد تربیتی اسلام دارد. این رویکرد نقش تفاوت‌های جنسیتی در تربیت را نفی می‌کند و هویت جنسیتی را متأثر از فرهنگ و جامعه می‌داند. اما نگرش اسلامی، با اینکه در بعد اعتقادی، متغیر جنسیت را موثر نمی‌داند، اما با پذیرش تفاوت‌های جنسیتی، بر پذیرش هویت جنسیتی به منظور ایفای نقش‌های متفاوت تأکید دارد و تربیتی متناسب با این تفاوت‌ها را برای دختران و پسران در نظر می‌گیرد. ثانیاً؛ در تربیت عبادی کودک، از نظر اسلام، مدرسه نیز در امتداد تربیت خانواده، باید به منظور آماده‌سازی و خوگیری دختر و پسر به انجام تکالیف شرعی، آموزش این وجه تربیت را برای دختران زودتر از پسران آغاز کند. همچنین در تربیت اخلاقی کودک،

رویکرد اسلامی با ملاحظه تفاوت‌های جنسیتی از جمله تفاوت در شروع سن تکلیف و آموزش با محوریت حیورزی در متربیان، معتقد است تهیه محتوای آموزشی متفاوت و ترجیحاً مجزا برای هر جنس، منطقی‌تر است. همچنین سفارشات دین، معلوم می‌سازد که تقویت حیا و عفاف در زنان نسبت به مردان اولویت بالاتری دارد؛ از این رو تمرکز نظام آموزشی در پرورش و تقویت حیورزی در دختران باید بیشتر از پسران باشد و حصول این امور با تدوین محتوای آموزشی یکسان، منطقی به نظر نمی‌رسد. ثالثاً؛ از منظر تربیت اسلامی با توجه به نقش‌های وابسته به جنس دختران و پسران در آینده، لازم است آموزش و الگودهی مربوط به نقش‌های جنسیتی برای دختران، متفاوت از پسران باشد. براین اساس محتوای آموزشی آنها نیز باید متفاوت باشد.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

پیشنهاد این تحقیق، با توجه به نتایج حاصل عبارت است از:

۱. در بخش‌های متنابهی از محتوای آموزشی برنامه‌دستی، نیازهای متمایز دو جنس دختر و پسر، مبنا قرار گیرد تا با نیازهای جنسیتی آنان هماهنگ باشد.
۲. تفکیک محتوای آموزشی در برنامه‌دستی مبتنی بر نیازهای جنسیتی، حداقل در برخی از دروس که جنبه تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارند، است. به عبارت دیگر کتاب‌های درسی مانند دین و زندگی، قرآن و برخی دروس دیگر که تأثیر تربیتی اخلاقی، عبادی و هویتی بیشتری دارند، به صورت مجزا برای دختران و پسران تدوین گردد تا علاوه بر مطالب آموزشی از قبیل احکام و آموزش‌های عبادی و اخلاقی و نقش‌های جنسیتی، شناسه‌های موثر جنسیتی، مانند مثال‌ها، الگوها، و تصاویر نیز در آنها تقویت و هدفمندتر شده و متعاقباً در رفع نیازهای جنسیتی متربیان اثر بیشتری داشته باشد.



References

- Holy Quran. (1994). Translation: Nasser Makarem Shirazi. Qom: Darul Qur'an Karim.
- A`rafi, Alireza; Shaker Elahi, Mehdi and Mousavi, Seyyed Naghi. (2016). Educational Jurisprudence, Volume 24. Qom: Ishraq and Irfan Cultural Institute, 1nd edition.
- Alam Al-Hoda, J. (2009). Gender in education. Practical issues of Islamic education. Fall 2013 - No. 8, pp.59-92. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/105608>
- Amini, Ebrahim. (2004). Islam and education. Qom: Bostan Kitab.
- Ansarian, Hossein. (2014). Elements of human personality. Qom: Dar al-Irfan, 1nd edition.
- Davoudi, Mohammad. (2014). The educational history of the Prophet and Ahl al-Bayt, vol. 2, religious education. Tehran: Hoza and University Research Institute, 12nd edition.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1993) Dehkhoda dictionary. Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute (Rozneh).
- Faraj Zadeh, M and Sarmadi, M. (2019). "The system and methods of education from the Islamic point of view and its comparison with the school of existentialism". Ethical research, (1). pp. 205-221.
- Foruzandeh Dehkordi, L and Khush-Tinat Foroghina, K. (2012). "Investigation of the influence of Islamic and Western anthropological perspectives on the organization's value system". Islam and management research. (1). pp. 19-42.
- Haji Babaei, Fatima. (2021). Dissertation on educational models for girls from the perspective of the Qur'an and hadiths. Supervisor: Ebrahim Nik Safat. Payam Noor university. Varamin
- Hajr Seyyed Javadi, Ahmed and others. (2005). Encyclopaedia of Shiism, Volume 11. Tehran: Shahid Saeed Mohebi, 1st edition.
- Hur Amili, Muhammad. (1988). Shiite means. Qom: Al-Bayt Institute for Revival of Heritage, Chapter 1.
- Hosseini Khamenei, Ayatollah Syed Ali. (2006). The woman of Reyhana Afarinesh. Qom: Dar al-Hada, Publishing House of the Works of the Supreme Leader, 2nd edition.
- Ibn Faris Zakaria, Ahmad. (1990). Dictionary of comparisons. Beirut: Dar al-Jebel.
- Ibn Manzoor (2010). Arabic language Beirut: Dar al-Fekr
- Ibn Maskawayh, Ahmad bin Muhammad. (2015). Ethical refinement. Translator: Salahuddin Seljuqi. Tehran: Irfan Publishing House, 1nd edition.
- Kafi, M. (2014). "Islamic Methodological Paradigm of Human Sciences". Islam and social sciences. (11). pp. 25-51.
- Khush-Tinat, W. (2012). The effect of practical adherence to Islamic beliefs through a healthy lifestyle on students' tendency to use drugs. health Psychology. (2). pp. 46-59.
- Kolini, Muhammad bin Yaqub. (1986). Usul al-Kafi. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Majlisi, Mohammad Baqer. (1982). Bihar Al-Anwar Beirut: Al-Wafa Institute.

Makarem Shirazi, Nasser. (1998). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Ketub Islamic Publishing House, 1st edition.

Marzooqi, Rahmatullah. (2019b). The Islamic paradigm of science production. An approach to the production of Islamic science of education in the realm of Islamic sciences. Tehran: Avai Noor Publishing House.

Miller, John. (2001). Soul Education Towards a Spiritual Curriculum. Translator: Nadergholi Gurchian. Tehran: metacognitive Andisheh, 2nd edition. (In Persian).

Mirzamohammadi, M; Aliin, H and Ghafoor H. (2008). "Comparison of the goals of education and training from the point of view of idealism and pragmatism". Daneshvar raftar (30). pp. 45-52.

Misbah Yazdi, M. (2000). "Explaining the concept of Islamic management". cooperation (48). pp. 38-48.

Moshirzadeh, Hamira. (2003). From the movement to social theory, the history of two centuries of feminism. Tehran: Shirzadeh Research Publishing.

Moin, Mohammad. (2006). A specific dictionary. Tehran: Zarin, 3rd edition.

Mohammadi-Ri-Shahri, Mohammad. (2005). Mizan al-Hakkah Translated by Hamidreza Sheikhi. Qom: Dar al-Hadith.

Naqi Porfar, Wali Allah. (2015). Principles of Islamic management and its models. Tehran: Sanai Danesh Publications.

Oladi, Sh; Jahanbakhsh, I and Mohammadi, A. (2018). Investigating the effects and consequences of the phenomenon of hijab and Tabarj on social security. Social studies. (57). pp. 103-141.

Qomi, Ali Bin Ibrahim (1983). Tafsir al-Qami. Algerian Mousavi researcher. Qom: Darul Kitab, 3rd edition.

Ragheb Esfahani, Hossein. (1991). Vocabulary in the words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Shamiya.

Sajestani, Abu Dawud Suleiman bin Ash'ath. (275 AD). The traditions of Abi Dawood. Cairo: Dar al-Hadith.

Seyyed Razi, Muhammad bin Hossein. (1993). Nahj al-Balagha. Translation: Mohammad Dashti. Qom: Mashrekin, 4nd edition.

Shirvani, Ali. (2015). General philosophy (Koliat Falsafeh). Tehran: Andisheh Molana Publications.

Supreme Council of Cultural Revolution. Document of the fundamental transformation of education. Tehran: Bina, 1st edition.

Tabarsi, Abi Nasr Hasan bin Fazl. (1997). Makaram al-Akhlaq. Qom: Al-Rasalah Center Qom, 4nd edition.

Tamimi Amadi, Abdulvahid. (1987). Gharr al-Hakem and Darr al-Kalam. Qom: Tabligat Office.

Tehrani, Mojtabi. (2014). Divine Adab, Volume 3, Child Education. Tehran: Masabih Al-Hadi, 4nd edition.

Zamakhshari, Jarallah Mahmoud bin Omar. (2013). Tafsir Kashaf, Volume 2. Translator: Ansari Khoshabar. Tehran: Phoenix, 2nd edition.

Zulem, Ali et al. (2011). National curriculum. Educational research and planning organization. Ministry of Education.

